



مرکز بررسی‌های استراتژیک  
CENTER FOR STRATEGIC STUDIES



## گزارش مذاکرات هیئت اعزامی از

مؤسسه مطالعات روابط بین‌الملل معاصر چین

با مسئولان و مشاوران مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

آذر ماه ۱۳۹۳

شماره مسلسل: ۶۸۷

کد گزارش: ۱۴۰۰-۰۵

۱۸ فروردین ۱۴۰۰

# بسم الله الرحمن الرحيم

شماره مسلسل: ۶۸۷

کد گزارش: ۱۴۰۰-۰۵

عنوان گزارش: گزارش مذاکرات هیئت اعزامی از مؤسسه مطالعات روابط بین الملل معاصر چین با مسئولان و مشاوران مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری (آذر ماه ۱۳۹۳)

مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری

۱۸ فروردین ۱۴۰۰

کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری است.  
هر گونه بازنشر این گزارش بدون اجازه کتبی مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری ممنوع است.

## فهرست مطالب

---

۱. مقدمه..... ۱
۲. امکان‌های «روابط خوب» دو کشور..... ۱
۳. نوع و سطح روابط خوب ایران و چین: نظر مرکز بررسی‌های استراتژیک..... ۲
  - ۱-۳. روابط اقتصادی..... ۲
  - ۲-۳. روابط فرهنگی..... ۳
  - ۳-۳. روابط سیاسی..... ۴
  - ۴-۳. روابط امنیتی..... ۵
۴. مسأله داعش..... ۶
۵. اقتصاد چین و آینده روابط با آمریکا..... ۶
۶. فراتر از تعارفات دیپلماتیک: رویکرد عملگرایانه چینی به روابط ایران و چین..... ۶
۷. نظریه مرکز بررسی‌های استراتژیک..... ۸

## ۱. مقدمه

مرکز بررسی‌های استراتژیک از تاریخ ۳ تا ۶ آذرماه ۱۳۹۳ میزبان هیئتی پنج نفری از «انستیتو روابط بین‌الملل معاصر چین» (کیکر) بود. این انستیتو از مؤثرترین اندیشکده‌های روابط بین‌الملل چین است که گزارش‌های آن به شورای دولتی و نخست‌وزیر چین ارائه می‌شود و بر عملکرد وزارتخانه‌های امور خارجه، تجارت و دارایی چین مؤثر است. آن‌چه در ادامه ارائه می‌شود، جمع‌بندی مرکز بررسی‌های استراتژیک از دو دور مذاکرات با هیئت چینی، است.

## ۲. امکان‌های «روابط خوب» دو کشور

۱. طرف چینی بر این باور است که در حال حاضر امکانی برای «روابط راهبردی» میان دو کشور – به معنای روابطی که امنیت ملی و حیات اقتصادی و امنیتی دو کشور وابسته به آن باشد – وجود ندارد. این باور با توجه به گفت‌وگوهای انجام شده، برای مرکز بررسی‌های استراتژیک نیز قابل قبول است. سطح مبادلات اقتصادی، دوری جغرافیایی، وجود بازیگران مهم و تعیین‌کننده در روابط، و علائق دو کشور در پیدایش چنین باوری تعیین‌کننده است.
۲. طرف چینی معتقد است علی‌رغم شرایط نامساعد بین‌المللی، و موانع موجود بر سر راه ایران، از اهمیت ایران در خاورمیانه و جهان آگاه است. همین امر سبب می‌شود در صورت تغییر رفتار آمریکا نسبت به ایران، وضعیت توسعه ایران بهتر شود.
۳. طرف چینی معتقد است تغییراتی در ایران رخ داده که کاملاً مشهود است:
  - ایران در مسأله هسته‌ای مایل است از طریق گفت‌وگو حل مسأله کند، و تحولی در این مسیر در حال بروز است.
  - بقیه کشورهای خاورمیانه در بحران هستند و ایران نقش مهمی در بازسازی چارچوب سیاسی منطقه ایفا می‌کند.
  - حتی آمریکا نمی‌تواند بدون گفت‌وگو با ایران چارچوب سیاسی منطقه را بازسازی کند.
۴. با توجه به تحولات بروز کرده، جایگاه ایران در دیپلماسی چین ارتقا می‌یابد و از سویی چین در چارچوب تلاش برای بازسازی جاده ابریشم، می‌تواند با ایران همکاری خوبی داشته باشد. چینی‌ها هم‌چنین برای سابقه تمدنی ایران احترام قائل‌اند اما سطح همکاری با ایران را تابع حل و فصل موضوع هسته‌ای می‌دانند.
۵. مقامات چینی آگاه هستند که در ایران نگاه‌های متفاوت و گاه ناخوشایندی درخصوص روابط با چین وجود دارد. به همین ترتیب در چین نیز نگاه‌های مشابهی به ایران وجود دارد. لذا نگاه بلندمدت داشتن دو کشور به یکدیگر مهم است. توسعه روابط باید بر اساس درک مشترک از واقعیت‌های ایران و چین و برای بنیاد نهادن ثبات در آینده روابط صورت بگیرد.
۶. به این ترتیب، اگرچه برقراری «روابط راهبردی» در حال حاضر منتفی است، اما مهم آن است که دو کشور «راهبرد



روابط» خود را مشخص کنند. این بدان معناست که نقشه راه گسترش روابط «خوب» که کارکردهای زیر را داشته باشد، تنظیم گردد.

- موجد ثبات در روابط دو کشور باشد،
  - برای بازه زمانی بلندمدت تنظیم گردد،
  - انتظارات واقع‌بینانه دو طرف از یکدیگر را معین کند، و
  - سبب گردد مدیران در همه سطوح رویکردی منسجم و یکدست به روابط دو کشور داشته باشند،
۷. طرف چینی بسیار عملگرایانه بر محدودیت‌های زیاد توسعه روابط با ایران تأکید دارد. عمده پیشنهادهاى طرف ایرانی برای توسعه همکاری با چین، با تأکید طرف چینی بر وجود تحریم‌ها و تأثیرپذیری محدودکننده روابط ایران و چین از روابط راهبردی گسترده میان آمریکا و چین مواجه شد.

### ۳. نوع و سطح روابط خوب ایران و چین: نظر مرکز بررسی‌های استراتژیک

با توجه به اجماع دو طرف بر «دشواری شکل‌گیری روابط راهبردی میان دو کشور در شرایط فعلی»، به نظر می‌رسد باید نگاه واقع‌بینانه‌ای به امکان‌های گسترش روابط ایران و چین در شرایط فعلی – تداوم تحریم‌ها و روابط تنش‌آلود ایران و غرب – داشت. مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری بر این باور است که نوع و سطح روابط خوب دو کشور در محورهایی که در ادامه تشریح شده قابل پیگیری است. این جمع‌بندی به طرف چینی نیز ارائه شد، مخالفتی با آن صورت نگرفت، و هیئت چینی نکته مهمی درخصوص آن ابراز نکرد.

#### ۳-۱. روابط اقتصادی

- **تولید و انتقال انرژی:** ایران کشور غنی از نظر منابع انرژی، و چین مصرف‌کننده انرژی است. هر دو کشور می‌توانند برنامه باثبات و بلندمدتی برای سرمایه‌گذاری در بخش انرژی، و همچنین محصولات مشتق از منابع انرژی نظیر نفت و گاز باشند. این همکاری می‌تواند در چارچوب سایر بندهای روابط اقتصادی که در ادامه تشریح می‌شود چارچوب‌بندی گردد.
- **سرمایه‌گذاری و نه صرفاً فاینانس:** اگرچه طرف چینی معتقد است شرکت‌های چینی دارای سهامدار آمریکایی از مشارکت در اقتصاد ایران منع شده‌اند، و بقیه شرکت‌ها نیز بیم آن دارند که بر اثر مشارکت در اقتصاد ایران از مشارکت در بازار اقتصادی آمریکا بازداشته شوند، اما در چارچوب سناریوی کاسته شدن، تعلیق یا لغو تحریم‌ها، و با توجه به تغییر محسوس سیاست اقتصادی چین در زمینه کاهش خرید اوراق قرضه خزانه‌داری آمریکا و سرمایه‌گذاری در سایر کشورها، امکان سرمایه‌گذاری مستقیم چین در اقتصاد ایران وجود دارد.
- **همکاری فناورانه:** اقتصاد چین تا اندازه زیادی بر اثر طی کردن فرایند انتقال فناوری از شرکت‌های غربی به این کشور متحول شده است. طرف ایرانی نیز مایل نیست – بالاخص در شرایط لغو یا تعلیق تحریم‌ها – صرفاً واردکننده کالای چینی باشد، بلکه از تولید مشترک و همکاری فناورانه (Technological collaboration) استقبال



می‌کند، به نحوی که سبب ارتقای توانایی جذب فناوری و قابلیت نوآوری فناورانه در کشور شود.

- **انتقال تجارب مدیریتی و فناوری نرم:** طرف چینی در سازماندهی صنایع خرد، کوچک و متوسط؛ هماهنگ ساختن نظام تولید در سراسر کشور، بازاریابی بین‌المللی، تنظیم قراردادهای همکاری، و مدیریت نیروی انسانی و سازماندهی صنعتی دارای تجربه بسیار گسترده و موفق است. طرف ایرانی مایل است در این زمینه‌ها از تجارب چین استفاده کند.

- **توسعه فناوری در بخش‌های خاص:** طرف چینی در تأسیساتی نظیر بندر، راه‌آهن، فرودگاه و بسیاری از زیرساخت‌های کلان - بالاخص در بخش ساخت و ساز - دارای تجارب ارزشمندی است. ایران نیز نیازمند توسعه زیرساخت‌های خود در این عرصه‌ها برای بهره‌گرفتن از موقعیت ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک خاص خود است. توسعه همکاری در این بخش‌ها از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم، فاینانس و همکاری فناورانه، زمینه مساعدی برای همکاری است.

- **همکاری در حل مشکلات مشترک:** ایران و چین مشکلات مشترکی دارند نظیر: آلودگی محیط زیست، مدیریت نامناسب منابع حیاتی نظیر آب، شکاف توسعه‌ای میان مناطق برخوردار و کم‌برخوردار کشور، و آمایش سرزمین. هر دو کشور می‌توانند برای انتقال تجربه و شیوه‌های مدیریت مشکلات مشترک همکاری کنند.

- **توسعه توریسم:** ایران و چین هر دو از جذاب‌ترین کشورهای جهان برای توسعه صنعت توریسم هستند. جمعیت زیاد و در حال ثروتمند شدن چین زمینه مساعدی برای توسعه توریسم از چین به مقاصد دیگر ایجاد کرده است. ایران نیز تمایل زیادی به پذیرش توریست‌های چینی دارد. افزایش همکاری دو کشور برای معرفی مقاصد توریستی یکدیگر، و سرمایه‌گذاری مستقیم طرف چینی در زیرساخت‌های توریستی ایران (هتل‌ها، تأسیسات حمل و نقل، و ...) زمینه مناسبی برای همکاری است.

### ۲-۳. روابط فرهنگی

- **توسعه مطالعات چین‌شناسی و ایران‌شناسی:** دو کشور می‌توانند مطالعات مربوط به شناخت کشور دیگر را در کشور خود گسترش دهند و به طرف مقابل نیز کمک کنند. این بخش بالاخص برای طرف ایرانی اهمیت راهبردی دارد. جمعیت عظیم چین به عنوان قدرت بزرگ آینده، که بخش مهمی از کاربران فضای مجازی در آن قرار دارند، باید شناخت مناسبی از جامعه و کشور ایران داشته باشند.<sup>۱</sup>

- **همکاری فرهنگی مبتنی بر توسعه گردشگری:** گردشگری رسانه‌ای فرهنگی است. جمعیت زیاد چین که در سال ۲۰۱۳ بیش از ۹۰ میلیون توریست به سایر نقاط جهان ارسال کرده است، فرصتی برای تعامل فرهنگی دو کشور

۱. برای مثال، ایران باید بکوشد تا نام و هویت خلیج فارس برای ۱٫۶ میلیارد نفر جمعیت چین شناخته شده باشد. این اقدام گامی در راستای مقابله با اقداماتی است که می‌کوشند نام‌های معمول برای خلیج فارس تدارک ببینند. ضمناً با توجه به سیاست توسعه فرهنگی، و حضور سرمایه‌گذاران و توریست‌های چینی در سراسر دنیا، توسعه مطالعات ایران‌شناسی در چین، راهی برای معرفی ایران به جامعه جهانی از مسیر قدرت اقتصادی و فرهنگی چین است.



حول فعالیت اقتصادی-فرهنگی گردشگری است.

- **مقابله فرهنگی با اسلام تکفیری-وهابی:** ایران به دلیل قرار داشتن در کانون خطرات اسلام تکفیری-وهابی، و چین به دلیل نگرانی از بابت توسعه این نوع اسلام در ایالت سین‌کیانگ و مرزهای غربی متأثر از جریان‌های اسلامی موجود در افغانستان و پاکستان، زمینه مشترکی برای همکاری در زمینه مقابله فرهنگی با اسلام تکفیری-وهابی دارند. توسعه همکاری با چین در این مسیر، مقابله با سیاست توسعه‌طلبی عربستان سعودی را نیز زمینه‌سازی می‌کند. طرف چینی تا حدود زیادی آگاه است که عربستان هم‌زمان تأمین‌کننده نفت و خشونت دینی است. هم‌چنین طرف چینی آگاه است که صعود چین به جایگاه قدرت اقتصادی بزرگ، بهره‌مندی از افزایش سرمایه‌گذاری چین در خاورمیانه و آفریقا، و حفظ جایگاه اقتصادی چینی‌تبارهای ثروتمند مقیم اغلب کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا، که بخشی از آن‌ها مسلمان هستند (نظیر اندونزی و مالزی) نیازمند ثبات و امنیتی است که بر اثر توسعه اسلام تکفیری-وهابی به خطر می‌افتد.

- **همکاری در تولید، توزیع و مصرف محصولات فرهنگی:** محصولات فرهنگی ایرانی می‌توانند راهی بازارهای خارجی شوند. زمینه‌های مشترکی بین ایران و چین برای تولید محصولات فرهنگی و اجازه دادن به یکدیگر برای ورود محصولات فرهنگی طرف مقابل به بازار خودی وجود دارد.

- **همکاری‌های دانشگاهی:** هر دو طرف تمایل دارند تا در زمینه‌های دانشگاهی نظیر مبادله استاد و دانشجو، انجام تحقیقات مشترک، یا کمک به توسعه رشته‌های دانشگاهی خاص در طرف دیگر همکاری کنند. این همکاری‌ها می‌تواند در قالب رشته‌های ایران‌شناسی و چین‌شناسی آغاز گردد و به سایر حوزه‌ها گسترش یابد.

### ۳-۳. روابط سیاسی

- **مقابله با سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه:** اگرچه طرف چینی در مواضع مختلف، بنا بر اصل عملگرایی و لحاظ کردن منافع اقتصادی، از تصمیم‌های یک‌جانبه آمریکا حمایت کرده، لیکن به‌طور کلی در حال حاضر، تمایل بیشتری به مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا دارد. این سیاست مورد حمایت ایران نیز هست و می‌تواند به شرط هم‌نوا شدن منافع دو کشور در بخش‌های اقتصادی، امنیتی و فرهنگی، بنا به سطح روابط، تا اندازه‌ای از سوی هر دو طرف دنبال شود.

- **محکومیت اعمال زور غیرمشروع:** ایران و طرف چینی از سیاست اعمال زور غیرمشروع و خارج از سازوکارهای سازمان ملل متحد حمایت نکرده و با آن مخالف هستند.

- **سیاست عدم مداخله در کشورهای دیگر:** ایران و چین مایل‌اند استقلال همه کشورها به رسمیت شناخته شده و مداخله در سایر کشورها انجام نگیرد.

- **حل و فصل منازعات بر اساس سازوکارهای دیپلماتیک:** ایران و چین راه‌حل‌های دیپلماتیک را کارآمدترین و پایدارترین راهکار برای حل و فصل منازعات دانسته و می‌توانند در پیشبرد این علاقه مشترک همکاری کنند.

علی‌رغم همه این زمینه‌های علائق مشترک و همکاری، دو طرف آگاه هستند که در حال حاضر و تا چشم‌انداز حداقل یک



تا دو دهه آینده، طرف چینی با اولویت منافع اقتصادی به روابط بین‌المللی می‌نگرد و علی‌رغم تلاش برای تبدیل شدن به قدرت بین‌المللی، مایل است هزینه‌های تضمین ثبات و امنیت بین‌المللی لازم برای صعود به جایگاه برتر اقتصادی، توسط سایر بازیگران بین‌المللی پرداخته شود. به این ترتیب، چین ترجیح می‌دهد در مسائل سیاسی، ژئوپلیتیک و اختلافات در خاورمیانه، بازیگر حاشیه‌ای باشد.

### ۳-۴. روابط امنیتی

- همکاری امنیتی برای کنترل اسلام سلفی- وهابی: طرف چینی به شدت دغدغه توسعه اسلام تکفیری- وهابی را دارد و از همکاری امنیتی در این زمینه استقبال می‌کند. در ضمن، ممکن است بسته به سایر شرایط، زمینه‌ای فراهم شود تا دو طرف راهکارهای استفاده از قدرت و نفوذ یکدیگر در سایر کشورها برای کنترل کردن اقدامات گروه‌های سلفی- تکفیری و حامیان آن‌ها را بررسی کنند.<sup>۲</sup>

- همکاری در سوریه، عراق و افغانستان: چین سرمایه‌گذاری قابل توجهی در منابع نفتی عراق دارد، و همچنین سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های افغانستان انجام داده است. سوریه نیز به لحاظ ژئوپلیتیک و مقابله با یکجانبه‌گرایی آمریکا در منطقه برای چین مهم است. هر سه کشور برای امنیت ایران اهمیت راهبردی دارند. این سه کشور می‌توانند زمینه‌های همکاری امنیتی باشند.

- تأمین امنیت انرژی: ایران این قابلیت را دارد که در قریب ۲۰۰۰ کیلومتر مرز دریایی خود در خلیج فارس، و همچنین در صورت انتقال خطوط لوله انتقال انرژی از ایران و شمال افغانستان، با طرف چینی در تأمین امنیت انرژی همکاری کند.

جمع‌بندی فوق از روابط ممکن میان ایران و چین، بر انگاره‌های رئیس‌جمهور چین درباره توسعه روابط آسیایی کشورش منطبق است. به گفته لی شائوژیان، مدیر هیئت چینی، شی جین پینگ رئیس‌جمهور چین بر پنج محور توسعه روابط با کشورهای آسیایی در چارچوب احیای جاده ابریشم تأکید دارد:

۱. توسعه مبادلات سیاسی کشورهای در مسیر جاده ابریشم

۲. توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل (راه‌آهن، بزرگراه، و ...) بین کشورهای جاده ابریشم

۳. توسعه تبادلات تجاری میان کشورهای جاده ابریشم

۴. توسعه سرمایه‌گذاری‌های متقابل

۵. مبادلات فرهنگی

بدیهی است که در محور سرمایه‌گذاری‌های متقابل، طرف سرمایه‌گذاری کننده چین خواهد بود که سرمایه لازم برای این کار را داراست.

۲. برای مثال، چین روابط اقتصادی گسترده‌ای با عربستان سعودی و برخی کشورهای آفریقایی کانون اسلام تکفیری- وهابی دارد. همچنین روابط چین و پاکستان بسیار خوب است. چین می‌تواند از این روابط برای اعمال فشار بر حامیان گروه‌های تکفیری استفاده کند. ایران نیز متقابلاً قادر است از نفوذ خود در کشورهای مؤثر بر منافع چین استفاده کند.





## ۴. مسأله داعش

هیئت چینی در مواضع مختلف سعی داشت مسأله داعش را طرح کرده و از نظر طرف‌های ایرانی آگاه شود. لی شائوژیان رئیس هیئت چینی، در همه مذاکرات با طرف‌های ایرانی - حتی در نشست با اتاق بازرگانی ایران - ابتدا درباره داعش و سپس درباره آینده پرونده هسته‌ای ایران سؤال پرسیده است. این بحث به‌طور مشخص در دیدار هیئت چینی با مدیران و کارشناسان دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه مطرح شده است. نکته مهم این است که «چین درخصوص نقش آمریکا در پیدایش و تداوم عملکرد داعش ابهام دارد».

اطمینان یافتن چین از نقش فعال آمریکا در پیدایش و تداوم داعش، چین را نسبت به تداوم فعالیت گروه‌های جهادی و تکفیری حساس‌تر خواهد ساخت. چینی‌ها احتمالاً با این فرضیه که آمریکا برای کنترل نفوذ چین در مناطق مختلف جهان بالاخص در خاورمیانه و آفریقا، هم‌چنین آسیای مرکزی و آسیای جنوب شرقی، از اسلام سلفی-تکفیری و ناامنی ناشی از آن بهره می‌گیرد مواجه هستند. پرسش‌های مکرر لی شائوژیان رئیس هیئت چینی درباره داعش، با توجه به گرایش امنیتی وی در انستیتو کیکر، نشانی از میزان توجه چین به تهدیدهای امنیتی احساس شده ناشی از داعش برای چین است.

## ۵. اقتصاد چین و آینده روابط با آمریکا

لی شائوژیان درخصوص اقتصاد چین می‌گوید: «آمارها در حوزه اقتصادی به خصوص تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهد که چین از سال ۲۰۱۲ در رقابت بسیار نزدیک با آمریکایی‌ها از آن‌ها جلو افتاده است و این موضوع چنانچه تا چند سال آینده ادامه پیدا کند چین را به قطب یک اقتصاد جهان خواهد رساند. چندی پیش در دیدار اواما با یکی از مقامات ارشد چین، به اواما گفته شده: چین بیش از ۵۰۰ سال کشور شماره یک جهان بوده است و غربی‌ها با حمله‌های گوناگون به این کشور چین را از تکیه زدن بر چنین جایگاهی منع کردند. امروز هم کم کم چین دوباره گذشته خود را پیدا می‌کند و به زودی به قدرت یک جهانی تبدیل خواهد شد. البته من اینجا می‌خواهم برای شما این موضوع را روشن کنم که رقابت ما با آمریکا اصلاً به مفهوم برخورد با این کشور نیست بلکه حرکت موازی است چرا که یکی از شرایط دستیابی به قدرت یک جهانی دوری جستن از جنگ و نزاع با کشورهای هم‌تراز است. البته من باز هم تأکید می‌کنم که منظور من از قدرت برتر جهانی صرفاً در موضوع اقتصادی است و در آینده‌ای نه چندان دور شما شاهد خواهید بود که قلب اقتصادی دنیا با توجه به پیشرفت‌های سریع کشورهای چین، هند و روسیه از اقیانوس اطلس نقل مکان کرده و در اقیانوس پاسیفیک ظهور خواهد کرد.»

## ۶. فراتر از تعارضات دیپلماتیک: رویکرد عملگرایانه چینی به روابط ایران و چین

۱. در حال حاضر ایدئولوژی و به‌طور مشخص آمریکاستیزی هیچ جایگاهی در تعیین اولویت‌های سیاست خارجی چین ندارد. رهبران چین نسبت به روابط فعلی با آمریکا بسیار محتاط و محافظه‌کار هستند و تلاش می‌کنند تا این روابط خدشه‌دار نشود. ارجحیت رابطه با آمریکا از دوره ریاست جمهوری قبلی (هو جین تائو) به عنوان اصل مهمی در سیاست خارجی چین تثبیت شده است و هنوز هم ادامه دارد.



۲. چین نسبت به منطقه خاورمیانه استراتژی منسجم و مشخصی ندارد. در حالیکه اسناد روابط راهبردی چین با برخی از کشورهای دنیا تنظیم شده درباره هیچ‌یک از کشورهای خاورمیانه هنوز سند راهبردی روابط نوشته نشده است. روند تنظیم اسناد راهبردی در چین به این صورت است که وزارت امور خارجه از تعدادی از کارشناسان مراکز مطالعاتی مهم دعوت می‌کند و این عده در قالب کمیته‌ای اسناد راهبردی را با همکاری وزارت امور خارجه تهیه می‌کنند و سپس توسط دولت تصویب و ابلاغ می‌شود. درباره ایران سند راهبردی تهیه نشده است.
۳. به همان میزان که خرید نفت خاورمیانه برای چین مهم است فروش این نفت هم برای کشورهای خاورمیانه مهم است چراکه همه درآمد آن‌ها به فروش نفت وابسته است. بنابراین اگر روزی چین نتواند از ایران یا از خاورمیانه نفت بخرد آخر دنیا نیست و آن را با نفت مناطق دیگر جایگزین می‌کند. چین به خاطر نفت حاضر نیست خود را در عمق درگیری‌های خاورمیانه گرفتار کند.
۴. در جریان این سفر و ملاقات‌های صورت گرفته، برداشت ایشان این بوده که مردم و مقامات و تحلیل‌گران در ایران هیچ احترامی برای چین قائل نیستند.
۵. دیدگاه مردم و دولت چین درباره ایران این است که ایرانی‌ها افرادی باهوش اما فرصت‌طلب و غیرقابل اعتماد هستند که سعی می‌کنند همه دنیا را فریب دهند. ایران همواره خواسته از چین به عنوان ابزار و اهرمی در برابر آمریکا استفاده کند.
۶. سودی که چین از معامله با ایران دریافت می‌کند در مقابل حجم تجارت چین با آمریکا بسیار ناچیز است و اگر روزی قرار به انتخاب کردن باشد چین قطعاً ادامه تجارت با آمریکا را به ادامه تجارت با ایران ترجیح خواهد داد.
۷. شرایط موجود (تمدید مداوم مذاکرات) بهترین سناریو از نظر چین است و دلیلی ندارد که برای زودتر به نتیجه رسیدن مذاکرات و حصول توافق کاری انجام گیرد. چین این موضوع را به آمریکا واگذار کرده که هر طور می‌خواهد با ایران کنار بیاید. چین دلیلی نمی‌بیند که بر آمریکا فشار بیاورد تا زودتر به توافق برسد و انگیزه‌ای ندارد تا برای ایران نزد آمریکایی‌ها لابی کند برای اینکه در مقابل این خدمت چه چیزی به دست می‌آورد؟
۸. دولت چین امید چندانی به حل خصومت میان ایران و آمریکا ندارد بنابراین نگران توافق احتمالی نیست و از طرفی با ادامه مذاکرات و تمدید مکرر آن موافق است. به عبارت بهتر ادامه مذاکرات به عنوان حفظ «وضع موجود» در نظر گرفته می‌شود که ایران و آمریکا را سرگرم می‌کند ولی چون در عمل اتفاق خاصی نمی‌افتد و توافق نهایی حاصل نمی‌شود چین هم منافع فعلی خود در ایران را از دست نخواهد داد.
۹. مقایسه ایران با پاکستان در بحث همکاری‌های استراتژیک امری بی‌فایده است و چینی‌ها به هیچ وجه درخصوص آن مجاب نمی‌شوند. پاکستان همسایه چین و از قدیم و دوران جنگ سرد روابط بسیار مستحکم با چین داشته است. پاکستان تنها کشور دنیا بود که بعد از حوادث میدان تیان آن من در ۱۹۸۲ علناً و رسماً از دولت چین حمایت کرد و حتی متن بیانیه دولت پاکستان در این مورد قبل از انتشار از طریق سفارت این کشور در پکن با چینی‌ها هماهنگ شده بود. پاکستان به دلیل همسایه بودن در اولویت سیاست خارجی چین قرار دارد به ویژه که روابط چین با اکثر همسایگانش مطلوب نیست و پاکستان از این جهت یک همسایه استثنایی است. از طرف دیگر پاکستان متحد آمریکاست و بنابراین همکاری‌های چین و پاکستان در بخش‌های اقتصادی از چراغ سبز آمریکا هم برخوردار است. این مسائل در مورد ایران صدق نمی‌کند بنابراین



تلقى اینکه چینی‌ها بندر گوادر را به نفع بندر چابهار رها کنند توهم‌آمیز است.<sup>۳</sup> حضور چین در پاکستان فقط توجیه اقتصادی ندارد و استثنائاً بر اساس سود و زیان اقتصادی نیست بلکه منافع دیگری مد نظر است (مثلاً در حوزه نظامی).

۱۰. تأکید طرف ایرانی بر این که «بهبود روابط ایران با غرب و بالاخص آمریکا نباید سبب نگرانی برای چین باشد» مزاح است، چراکه هیچ شانس واقعی برای ترمیم روابط ایران و آمریکا لااقل در آینده نزدیک وجود ندارد و ایران در هر صورت محکوم به ادامه روابط با چین است. بیان چنین عبارتی از سوی طرف ایرانی در این شرایط، شاهدی بر فرصت‌طلبی ایران است و نشان می‌دهد که حتی در شرایطی که هنوز روابط با غرب و آمریکا بهبود نیافته است، ایران در پی باج‌گیری مؤدبانه از چین است. پاسخ چین به تلاش طرف ایرانی برای رفع نگرانی چین از بهبود روابط با آمریکا این است «چین از هرگونه بهبود روابط ایران و آمریکا استقبال می‌کند و هیچ‌گونه نگرانی از این بابت ندارد.»

## ۷. نظریه مرکز بررسی‌های استراتژیک

بر اساس دو دور انجام گفت‌وگو با هیئت چینی، گفت‌وگوهای خصوصی، نظر مرکز بررسی‌های استراتژیک درباره روابط با چین به شرح زیر است:

۱. تنظیم روابط راهبردی با چین، تحت شرایط تحریم، و روابط تنش‌آلود با غرب ناممکن است. تنظیم روابط راهبردی بر مبنای مقولات امنیتی و سیاسی نیز بدون پشتوانه مبادلات اقتصادی، بسیار دشوار و حتی ناممکن است زیرا فقدان مرز مشترک و فاصله میان دو کشور، تنظیم چنین روابطی را با مشکل جدی مواجه می‌سازد.
۲. با فرض ناممکن بودن شکل‌گیری روابط راهبردی دو کشور ایران و چین در کوتاه‌مدت، گزینه تلاش برای داشتن «روابط خوب» مطرح می‌شود. گام نهادی در چنین سناریویی، مستلزم درک این واقعیت است که «باید نوع نگرش به چین در سیاست خارجی ایران تغییر کند.» این تغییر بدان معناست که چین نمی‌تواند حامی سیاسی استراتژیک در برابر غرب باشد. چین اصولاً خود را در موضع به چالش کشیدن غرب نمی‌بیند و هر گونه تصور اینکه چین برای استقلال‌طلبی ایران در مقابل غرب آنقدر ارزش قائل است که حاضر باشد زیاده‌خواهی‌های غرب از ایران را آشکارا به چالش بکشد یا حتی در پشت صحنه چانه‌زنی کند غیرواقع‌بینانه است.
۳. داشتن روابط خوب با چین ناگزیر است. قدرت اقتصادی حال و آینده چین، فروش بخش مهمی از نفت ایران به چین، و آینده مبهم عادی‌سازی روابط با غرب و بالاخص آمریکا، تضمین رابطه مداوم و باثبات با چین را ضروری می‌سازد. اما ایجاد چنین رابطه باثباتی نیازمند جلب اعتماد طرف چینی و نشان دادن عزم سیاسی ایران برای داشتن این روابط خوب، بدون فرصت‌طلبی است. متقابلاً طرف چینی نیز باید چنین تمایلی را نشان دهد.
۴. اگرچه بازیگران اصلی مذاکرات هسته‌ای، ایران و آمریکا هستند، اما باید در نظر داشت که تمدید مکرر، گزینه‌ای مطلوب چین است. این سناریو می‌تواند برای روسیه، اسرائیل، عربستان و حتی اروپا هم گزینه مطلوبی باشد. مذاکره برای مذاکره

۳. در دور دوم گفت‌وگو با هیئت چینی، از ایشان پرسیده شد که چرا چین ۴۵ میلیارد دلار در بند گوادر پاکستان سرمایه‌گذاری می‌کند، حال آن‌که مسیر خطوط انتقال انرژی از طریق پاکستان ناامن است و بند چابهار می‌تواند موقعیتی امن برای سرمایه‌گذاری طرف چینی باشد. مسیرهای پیشنهادی انتقال انرژی از بندر چابهار به شمال افغانستان تا چین، با به آسیای مرکزی و سپس چین، در این پیشنهاد برای طرف چینی تشریح شد. طرف چینی نیز درخصوص نقش بندر گوادر در آینده تأمین امنیت انتقال انرژی از مسیر دریا، و همچنین نقش آن در راهبرد دریایی چین در اقیانوس هند توضیحاتی ارائه کرد.



که می‌تواند برای سال‌ها بدون نتیجه ادامه پیدا کند، منافعی را برای کشورهای مذکور در بر دارد؛ برنامه هسته‌ای ایران کندتر شده و خطر جنگ مستقیم هم مرتفع شده است؛ اکثر تحریم‌ها به قوت خود باقی می‌مانند، و روسیه و چین بیشترین نفع اقتصادی و اسرائیل و عربستان بیشترین نفع سیاسی را از این وضعیت خواهند برد.

۵. تنظیم سند راهبرد روابط با چین در کشور برای سامان دادن و منسجم ساختن سیاست ایران در روابط همه‌جانبه با چین بسیار ضروری است. این سند نه فقط برای تنظیم روابط در زمان تحریم‌ها، بلکه بیش از آن برای زمانی که ایران در شرایط آزادانه‌تری درباره روابط با چین تصمیم می‌گیرد اهمیت دارد. ایران در شرایط وجود تحریم‌ها، ناگزیر به برقراری روابط با چین، و با محدودیت‌ها و گاه شروطی است که چین قائل می‌شود. اما در شرایط لغو یا تعلیق تحریم‌ها، فضای بازتری ایجاد می‌شود که انتخابگری بیشتری ایجاد می‌کند. تنظیم روابط در آن شرایط، نیازمند سند راهبردی است. بنابراین تدوین سندی برای راهبرد روابط دو کشور بر اساس همکاری مشترک اندیشکده‌های ایرانی و چینی، و همچنین تنظیم سندی در داخل برای مشخص کردن راهبرد روابط با چین که بتواند انسجامی در میان دستگاه‌ها و سیاست‌گذاران در قبال چین ایجاد کند، توصیه می‌شود.

۶. میزان حساسیت هیئت چینی به مسأله داعش، و شواهد موجود از مشکلات چین در استان‌های غربی این کشور و بالاخص سین‌کیانگ، در کنار راهبرد جدید چین برای «حرکت به سمت غرب»، میزان دغدغه‌های چین از بابت گسترش خشونت‌های خاورمیانه به سوی چین را نشان می‌دهد. این مقوله احتمالاً استراتژیک‌ترین محور همکاری‌های ایران و چین در کوتاه‌مدت و تا زمان وجود تهدید گروه‌های تکفیری است.

۷. با توجه به آینده چین در اقتصاد جهانی، تداوم بی‌اعتمادی و فقدان احترام مردم دو کشور نسبت به یکدیگر، بسیار نامناسب است. ایرانیان چینی‌ها را تولیدکنندگان کالاهای بی‌کیفیت و فرصت‌طلبان استفاده‌کننده از وضعیت ایران می‌دانند، و چینی‌ها نیز ایران را فرصت‌طلبانی می‌دانند که بعد از بهبود روابط با غرب، چین را فراموش می‌کنند. بدین ترتیب، پشتوانه فرهنگی مناسبی برای روابط دو کشور وجود ندارد. این دیدگاه‌ها، بالاخص ایران را برای گسترش روابط دو کشور، محدود می‌کند. لذا تلاش برای ایجاد شناخت و احترام متقابل دو کشور نسبت به یکدیگر، اهمیت راهبردی دارد.